

## جهان سرمایه داری و کودکان

پروانه وزیری

میلیون ها کودک در دنیای "پیشرفته" و "متمدن" سرمایه داری، به دلیل صدها مشکل ریز و درشت، جان شان را از دست می دهند و میلیون ها تن دیگر از فرط فقر و ناتوانی مالی خانواده های شان وارد دنیای کار طاقت فرسای سرمایه داران در سراسر دنیا می شوند. این چه دنیای ظالمانه ای است که کودکان هم باید مورد سوءاستفاده های مختلف قرار گرفته و به مانند بزرگترها استثمار گردند. نظام های گنبدیده ی سرمایه داری به دلیل ماهیت منفعت طلبانه شان به هیچ قشر و صنفی رحم نمی کنند و از کودکان و نونهالان هم برای امیال و مقاصدشان سود می جویند و قانون توحش، با وحشی گری هر چه تمام تر زندگی آنان را هم رو به تباهی و نابودی می کشاند. حفاظت از جان کودکان در قاموس آنان بی معناست. میلیون ها کودک در دنیای پر از ثروت و منابع، در انتظار مرگ به سر می برند.

صندوق کودکان سازمان ملل (یونسف) اعلام کرده است:

\* سالانه ۶ میلیون کودک زیر ۵ سال در جهان در اثر بیماری های ناشی از سوءتغذیه می میرند.

\* از هر ۴ کودک زیر ۵ سال، ۱ کودک و یا به عبارتی ۱۴۶ میلیون کودک در کشورهای در حال توسعه کمتر از وزن سن خود بوده و در خطر مرگ زودرس قرار دارند.

\* یک میلیون و ششصد هزار کودک در کشورهای اتیوپی، کنیا و سومالی به کمک های فوری نیازمندند.

\* ۶ هزار زن و کودک ویتنامی در سال ۲۰۰۵ به کشورهای مختلف قاچاق شده اند.

\* نزدیک به ۲۲۰ میلیون کودک به مانند بزرگ سالان به کار طاقت فرسا مشغول اند.

\* سالانه هزار و پانصد کودک در آمریکا قربانی تجاوزات جنسی می شوند.

\* در حال حاضر ۲۵ درصد از کودکان عراقی بین ۶ ماه تا ۵ سال از سوء تغذیه های مزمن و همچنین کمبود وزن رنج می برند.

\* در هر دقیقه یک کودک به علت ابتلاء به ایدز جان خود را از دست می دهد.

\* ۴۰ هزار کودک در منطقه ی شاخ آفریقا به دلیل خشکسالی در آستانه ی مرگ قرار دارند.

\* بیش از ۳۰۰ هزار کودک سرباز که برخی از آن ها تنها ۸ سال سن دارند به طور اجباری در نیروهای مسلح بیش از ۳۰ کشور جهان به کار گرفته شده اند.

\* بیش از ۲ میلیون کودک طی یک دهه ی گذشته و در نتیجه ی مناقشات نظامی کشته شده اند و همچنین حداقل ۶ میلیون کودک نیز در جریان این مناقشات نظامی به شدت زخمی و یا تا پایان عمر معلول شده اند.

\* سالانه ۳ میلیون کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در جهان خرید و فروش می شوند.

\* صدها کودک افغانی توسط باندهای قاچاق انسان ربوده شده و به فروش می رسند.

سرنوشت کودکان ایرانی هم به مانند دیگر هم سن و سال های شان در دیگر نقاط جهان، در یک ردیف قرار داشته و بنابه گفته ی خود مقامات رژیم جمهوری اسلامی، حدود یک میلیون و هفتصد هزار کودک در ایران کار می کنند.

\* هزاران نفر مورد کودک آزاری قرار می گیرند.

\* بدن های نحیف آنان توسط باندهای قاچاق مثله گردیده و به فروش می رسد.

\* به خاطر فقر خانواده های شان و عدم حمایت های دولتی، از رفتن به مدرسه محروم اند و روانه ی خیابان های ناامن ایران می گردند.

و ...

سالهاست که روزجهانی کودک، روز مبارزه با کار و استثمار، بی حقوقی و تجاوز کودکانمان اعلام شده. آمار و مقالات زیادی در مورد حقوق کودک نگاشته میشود اما هر ساله برآمار این کودکان افزوده میشود و علیرغم ممنوعیت کار در سازمانهای بین المللی کودک و وجود انجمنهای مختلف حمایت از حقوق کودک، کودکان کار و خیابان همچنان مورد استثمار و تجاوز بی رحمانه قرار میگیرند. دنیایی که سرمایه داران بیرحمانه برای بهره گیری بیشتر از نیروی ارزان کار کودکان کارگر در رقابتند. و در ایران جمهوری سرمایه اسلامی بعنوان بخشی از این نظام ضد کارگر و ضد بشر با توسل به ابزار سرکوب و اختناق هر روز بر وجود ابعاد وحشتناک پدیده کودکان کار و خیابان سرپوش گذاشته تا بتواند از این نیروی کار ارزان کارگران کوچک سود بیشتری ببرد.

فقر و فلاکت روزافزون میلیونها خانواده کارگری که نظام سرمایه اسلامی و مناسبات سودجویانه اش بر این طبقه تحمیل کرده است، کودکان آنان را بدون آنکه انتخاب کرده باشند وامیدارد که برای کمک به معیشت خانواده نیروی کار خود را در مقابل مزد ناچیزی بفروشند. کودکانی که در بازوان نحیفشان تجربه کارهای سخت در مقابل مزدی بسیار ناچیز را دارند. کودکانی که بالاجبار دنیای کودکی را ترک کرده اند همواره در معرض خطر تجاوز و مرگ قرار دارند با وحشت از ناامنی و ترس دست به گریبانند.

کودکان ۵ تا ۱۵ ساله در شهرهای مختلف ایران برای لقمه ای نان مشغول به گلفروشی، آدامس فروشی تا زباله گردی و کار در کوره پزخانه ها و مزارع اند.

روزنامه "قانون" چاپ تهران، در شماره روز سه شنبه ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) سال گذشته ی خود، درباره تجاوز گروهی مرد بزرگسال به یک دختر بچه ۱۱ ساله در تهران خبر داد.

دخترکی ۱۱ ساله با موهای ژولیده و لباسهای کهنه ایی که بزرگتر از اندازه اش با نگاه کودکانه و امیدوارش از رانندگان میخواید تا از او آدامس بخرند. آدامسی که او میتواند در دنیای آرزوهایش با شوق کودکانه در پارک ها همراه با بازی او را غرق در دنیای زیبای کودکی کند. پس از یکروز کار طاقت فرسا با بدنی کوفته در جستجوی سرپناهی ست برای خواب گروهی از مردان به او تجاوز میکنند.

اما نه از جانب رسانه ها و نه طرف مردم ما عکس العمل شایسته ای به این خشونت و جنایت نشان داده نشد. مایه تاسف است که انسانها این چنین از خود و وقایع پیرامون خود و جامعه بیگانه شده اند. این سیمای واقعی نظام سرمایه داری است و رژیم جمهوری سرمایه و فاسد اسلامی بعنوان بخشی از آن است. رژیمی که میکوشد با گسترش دامنه سرکوب و اختناق تمایل به فردگرایی میان مردم ما، روز به روز زندگی را حتا بر کودکان ما نیز تنگ تر می کند. کودکان در جامعه ی ایران نظاره گر نه زندگی، بلکه شاهد مرگ "تدریجی" خود می باشند. میلیون ها کودکی که می بایست به جای داشتن شغل های کاذبی همچون آدامس فروشی، روزنامه فروشی، گل فروشی و غیره، در موسسات آموزشی به همراه همسن و سال های شان به بازی و آموزش بپردازند، به منظور تأمین نیازهای اولیه ی زندگی شان، به خیابان ها ریخته و طعمه ی شکارچیان انسان قرار می گیرند. اما در آن سوی، فرزندان سرمایه داران و مقامات رژیم اسلامی در ناز و نعمت و با بهره برداری از تمامی امکانات دولتی و بدون کوچک ترین مشکلی ادامه ی حیات می دهند.

این نظام بیرحم سرمایه است که تعداد اندکی از آحاد جامعه با توسل به زور، سرکوب و با در دست داشتن تمامی اهرم های حکومتی در ازاء به تخریب کشاندن زندگی میلیون ها انسان، دنیای کثیف خود را می سازند. این چه دنیای ناعادلانه ای است که می بایست ثروت های طبیعی جامعه توسط زورمداران غصب گردد و کودکان با دستان نحیف شان برای تهیه ی لقمه ای نان بخور و نمیر، همراه با پدران شان به کارهای مشقت بار تن در دهند. فقر و بدبختی در جامعه ی سرمایه داری در ایران بیداد می کند و کودکان هم مجبورند تا بار و سنگینی مشکلات بزرگان را بر دوش بکشند.

اخیراً یکی از کودکان کار خیابانی در پاسخ به سؤال خبرنگار ایرنا درباره ی رفتن به مدرسه گفته است که:

**"آقا چگونه باید درس بخوانم؟ پدرم کارگر ساختمان است و هشت نفر اعضاء خانواده که شش نفر آنان دختر هستند به نان و آب نیاز دارند، آن وقت شما از مدرسه و درس و کتاب حرف می زنی؟"**

به راستی چگونه با وجود چنین معضلات عدیده ای همچون گرانی و نداری و با مشاهده ی انجام کار طاقت فرسای روزانه ی پدران شان؛ که بعضاً با عدم بازپرداخت دستمزدهای شان از سوی کارفرماها؛ و مشاهده ی فرودآمدن ضربه های شلاق به جای مطالبه دستمزدهای عقب مانده شان؛ بر پشت پدرانشان مواجه می باشند، این کودکان زجر دیده قادر خواهند گردید تا به فراگیری علم و دانش بپردازند؟ کودکانی که مجبوراند تحت حاکمیت سرمایه داران، همگام و همدوش با بزرگان از همان دوران کودکی استثمار شوند و با مشکلات دست و پنجه نرم نمایند. در این میان، رژیم جمهوری اسلامی هم به عنوان جزئی ارگانیک از سیستم جهانی سرمایه داری، در چپاول، غارت و به بند کشیدن توده های ستمدیده و کودکان از خود هیچ گونه کوتاهی به خرج نداده و تا آن جایی که در توان دارد، به پاس ارگان های سرکوب رنگارنگ اش، در به تباهی کشاندن آینده سازان جامعه چهار نعل به پیش می رود.

تنها با نابودی نظام سرمایه داری در جامعه است که کودکان در محیطی آرام و به دور از مشکلات و مصائب دست ساز دولتمردان، طعم کودکی و شادی را با پوست و گوشت شان لمس نموده و در سازندگی جامعه کوشا خواهند بود.

به نقل از نشریه به پیش، شماره ۹۲، دوشنبه ۹ مرداد، ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷